

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
دیباچه .....	۱۳
مقدمه .....	۱۵
فصل اول: قابلیت حقوقی بکارگیری قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران .....	۲۱
مقدمه .....	۲۱
۱. چستی قراردادهای مشارکت در تولید .....	۲۱
۲. ساختار قراردادهای بالادستی در قوانین نفت کشور .....	۲۲
۳. ساختار قراردادهای بالادستی در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ .....	۲۳
۴. بررسی جواز قراردادهای مشارکت در تولید در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت .....	۲۴
فصل دوم: تبیین اصول فقهی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت ایران .....	۴۱
مقدمه .....	۴۱
۱. فقه و قراردادهای بین‌المللی .....	۴۲
۲. اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی در صنعت نفت .....	۴۴
۳. اصول فقهی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت .....	۴۷
۳-۱. قاعده نفی سبیل .....	۴۷
۳-۲. قاعده مصلحت .....	۴۹
۳-۳. حفظ مالکیت منابع نفت و گاز .....	۵۰
۳-۴. عدالت بین نسلی .....	۵۳
۳-۵. حفظ محیط زیست .....	۵۵
۳-۶. قاعده لاضرر .....	۵۶
۳-۷. قاعده اتلاف .....	۵۷

فصل سوم: تحلیل ماهیت قراردادهای بالادستی صنعت نفت از منظر فقه امامیه.....	۵۹
مقدمه .....	۵۹
۱. پیشینه پژوهش.....	۶۰
۲. تبیین ماهیت حقوقی قراردادهای بالادستی نفت .....	۶۲
۱-۲. قراردادهای مشارکت در تولید.....	۶۲
۲-۲. قراردادهای خدماتی .....	۶۳
۳-۲. قراردادهای بیع متقابل .....	۶۴
۴-۲. قرارداد بلندمدت فروش نفت.....	۶۴
۵-۲. قرارداد IPC .....	۶۵
۳. قراردادهای بهره‌برداری از معدن در فقه امامیه .....	۶۷
۱-۳. جعاله.....	۶۷
۲-۳. اجاره .....	۷۰
۳-۳. مضاربه .....	۷۲
۴-۳. مقایسه قرارداد مشارکت در تولید با عقد اسلامی شرکت.....	۷۳
۵-۳. استقلال ماهیت قراردادهای بالادستی نفت.....	۷۶
نتیجه‌گیری .....	۷۶
فصل چهارم: آشنایی با رژیم مالی انواع قراردادهای صنعت بالادستی نفت .....	۷۹
مقدمه .....	۷۹
۱. انواع ترتیبات مالی قراردادهای بالادستی صنعت نفت .....	۸۱
۲. تورم و تنزیل: مفاهیم اساسی ارزش زمانی پول و مدل‌سازی بالادستی نفت.....	۸۳
۳. NPV به عنوان مبنای اصلی تصمیم‌گیری در صنعت بالادستی نفت .....	۹۰
۴. رژیم‌های مالی مبتنی بر مالیات و بهره مالکانه .....	۹۲
۱-۴. عناصر اصلی جریان نقدی نفتی در یک رژیم مبتنی بر مالیات و بهره مالکانه.....	۹۳
۱-۱-۴. جریان ورودی میدان .....	۹۴
۲-۱-۴. جریان خروجی میدان.....	۹۶
۲-۴. آزمون حد اقتصادی (ELT).....	۹۱
۳-۴. چند ملاحظه کلی .....	۹۹
۱-۳-۴. پیش‌بینی قیمت نفت .....	۹۹
۵. ابزارهای مالی در رژیم مبتنی بر مالیات و بهره مالکانه.....	۱۰۳

## فهرست مطالب □ ۷

۱۰۳.....	۱-۵. بهره مالکانه
۱۰۶.....	۱-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای قیمت نفت
۱۰۶.....	۲-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای طول مدت تولید
۱۰۷.....	۳-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای تولید تجمعی پایان دوره
۱۰۸.....	۴-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای تولید تجمعی در طول دوره
۱۰۸.....	۵-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای نرخ تولید
۱۰۹.....	۶-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای قیمت و نرخ تولید
۱۱۰.....	۷-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای مقیاس سودآوری تجمعی: فاکتور
۱۱۲.....	۸-۱-۵. بهره مالکانه بر مبنای مقیاس سودآوری و قیمت نفت
۱۱۲.....	۲-۵. پاداش ها
۱۱۳.....	۱-۲-۵. پاداش اعلام تجاری بودن میدان
۱۱۴.....	۲-۲-۵. پاداش اولین تولید تجاری از میدان
۱۱۴.....	۳-۲-۵. پاداش تولید تجمعی
۱۱۵.....	۴-۲-۵. پاداش مبتنی بر مقدار تجمعی تولید
۱۱۵.....	۵-۲-۵. پاداش مبتنی بر نرخ تولید در یک دوره معین
۱۱۵.....	۳-۵. ترک محل
۱۱۶.....	۶. سیستم امتیازی
۱۱۹.....	۷. سیستم قراردادی مشارکت در تولید
۱۲۶.....	۸. حالت های مختلف در رژیم PSC
۱۲۷.....	۱-۸. تسهیم سود بر اساس قیمت نفت
۱۲۷.....	۲-۸. تسهیم سود بر اساس نرخ تولید
۱۲۸.....	۳-۸. تسهیم سود بر اساس تولید تجمعی
۱۲۹.....	۴-۸. تسهیم سود بر اساس مقیاسی از سودآوری تجمعی: فاکتور R
۱۳۱.....	۹. قراردادهای خدماتی
۱۳۳.....	۱-۹. قراردادهای خدماتی بیع متقابل
۱۴۰.....	۲-۹. قرارداد IPC
	فصل پنجم: تحلیل مقایسه ای رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل، مشارکت در تولید و
۱۴۵.....	IPC
۱۴۵.....	۱. ملاحظات اساسی در طراحی رژیم مالی قراردادهای نفتی

۱۴۶.....	۲. مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل با قراردادهای مشارکت در تولید و IPC
۱۴۷.....	۱-۲. مدت قرارداد
۱۴۸.....	۲-۲. یکپارچگی مراحل تولید
۱۵۰.....	۳-۲. نظام مالیات بر درآمد
۱۵۲.....	۴-۲. هزینه‌ها
۱۵۵.....	۵-۲. سایر انتقادات به قرارداد IPC
۱۵۷.....	۳. مقایسه قراردادهای بیع متقابل، مشارکت در تولید و IPC با رویکرد شبیه‌سازی
۱۶۰.....	۱-۳. طرح‌های توسعه میدانی نفتی مورد مطالعه
۱۶۰.....	۱-۱-۳. طرح توسعه میدان نفتی آزادگان
۱۶۲.....	۲-۱-۳. طرح توسعه میدان نفتی سروش و نوروز
۱۶۲.....	۳-۱-۳. طرح توسعه فروزان و اسفندیار
۱۶۴.....	۲-۳. مبانی نظری و روش
۱۶۴.....	۳-۳. محاسبه ارزش فعلی متغیرها در قراردادهای بیع متقابل
۱۶۶.....	۴-۳. شبیه‌سازی در قالب قراردادهای مشارکت در تولید و IPC
۱۶۶.....	۱-۴-۳. هزینه‌ها
۱۶۷.....	۲-۴-۳. بهره مالکانه
۱۶۸.....	۳-۴-۳. نفت سود/دستمزد پیمانکار
۱۷۳.....	۴-۴-۳. روند آتی قیمت نفت
۱۷۵.....	۵-۴-۳. مالیات
۱۷۷.....	یافته‌ها
۱۷۹.....	پیوست ۱: جداول محاسباتی
۱۸۹.....	پیوست ۲: استفتاء از مراجع عظام تقلید
۱۹۳.....	پیوست ۳: متن کامل قوانین بالادستی صنعت نفت ایران
۲۲۹.....	پیوست ۴: شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۴۷.....	منابع و مآخذ
۲۵۷.....	نمایه

### فهرست جداول

جدول ۱: قراردادهای بالادستی در قوانین نفت ایران.....	۲۲
جدول ۲: قراردادهای مشارکتی پس از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶.....	۳۰
جدول ۳: نرخ‌های بهره مالکانه مبتنی بر قیمت نفت.....	۱۰۶
جدول ۴: نرخ‌های بهره مالکانه مبتنی بر طول مدت تولید.....	۱۰۷
جدول ۵: نرخ‌های بهره مالکانه مبتنی بر تولید تجمعی.....	۱۰۷
جدول ۶: نرخ‌های بهره مالکانه مبتنی بر متوسط سالانه نرخ تولید روزانه.....	۱۰۸
جدول ۷: نرخ‌های بهره مالکانه مبتنی بر فاکتور R.....	۱۱۱
جدول ۸: برنامه پاداش تولید تجمعی.....	۱۱۴
جدول ۹: برنامه پاداش تولید تجمعی.....	۱۱۵
جدول ۱۰: جریان نقدی خالص در قراردادهای مشارکت در تولید.....	۱۲۳
جدول ۱۱: فاکتورهای مربوط به مقیاس‌های قابل تغییر.....	۱۲۵
جدول ۱۲: مقیاس توزیع نفت سود بر اساس قیمت نفت.....	۱۲۷
جدول ۱۳: مقیاس توزیع نفت سود بر اساس نرخ تولید.....	۱۲۸
جدول ۱۴: مقیاس توزیع نفت سود بر اساس نرخ تولید.....	۱۲۸
جدول ۱۵: مثال ساده فاکتور R.....	۱۲۹
جدول ۱۶: نقشه قراردادهای بالادستی در کشورهای عمده تولیدکننده نفت وگاز.....	۱۳۰
جدول ۱۷: هزینه‌های نفتی در قرارداد بیع متقابل مدل ۲۰۰۸.....	۱۳۶
جدول ۱۸: مقایسه ساختار مالی قراردادهای بیع متقابل، مشارکت در تولید و IPC.....	۱۵۳
جدول ۱۹: اطلاعات مالی قرارداد توسعه میدان آزادگان.....	۱۶۱
جدول ۲۰: اطلاعات مالی قرارداد توسعه میدان سروش و نوروز.....	۱۶۲
جدول ۲۱: اطلاعات مالی قرارداد توسعه میدان فروزان و اسفندیار.....	۱۶۳
جدول ۲۲: جدول فاکتور R برای محاسبه نفت سود.....	۱۶۹
جدول ۲۳: فاکتور R در قرارداد IPC.....	۱۷۰
جدول ۲۴: ارزش فعلی خالص دریافتی شرکت نفتی بین‌المللی در قالب بیع متقابل، مشارکت در تولید و IPC.....	۱۷۷
جدول ۲۵: محاسبات مالی میدان آزادگان در حالت بیع متقابل.....	۱۷۹
جدول ۲۶: محاسبات مالی میدان آزادگان در حالت مشارکت در تولید.....	۱۸۰
جدول ۲۷: محاسبات مالی میدان آزادگان در حالت IPC.....	۱۸۱

جدول ۲۸: محاسبات مالی میدان سروش و نوروز در حالت بیع متقابل .....	۱۸۲
جدول ۲۹: محاسبات مالی میدان سروش و نوروز در حالت مشارکت در تولید.....	۱۸۳
جدول ۳۰: محاسبات مالی میدان سروش و نوروز در حالت IPC .....	۱۸۵
جدول ۳۱: محاسبات مالی میدان فروزان و اسفندیار در حالت بیع متقابل .....	۱۸۶
جدول ۳۲: محاسبات مالی میدان فروزان و اسفندیار در حالت مشارکت در تولید .....	۱۸۶
جدول ۳۳: محاسبات مالی میدان فروزان و اسفندیار در حالت IPC.....	۱۸۸

### فهرست شکل‌ها

شکل ۱: طبقه‌بندی نظام‌های مالی نفتی .....	۹۱
شکل ۲: جریان نقدی سرمایه‌گذار از سال ۲۰۱۵ .....	۹۴
شکل ۳: روند تاریخی متوسط قیمت نفت .....	۹۹
شکل ۴: ویژگی‌های اساسی یک قرارداد مشارکت در تولید.....	۱۲۰
شکل ۵: طبقه‌بندی سه نسل از الگوهای قراردادی بیع متقابل .....	۱۳۵
شکل ۶: نظام مالی قرارداد IPC .....	۱۴۳
شکل ۷: ملاحظات اقتصادی طراحی یک نظام مالی مناسب .....	۱۴۶

## « سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه يك برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان يك اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش پردازد و بر این باور است که علم توأم با ترکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



## « دیباچه

قراردادهای سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز امروزه به مثابه ابزار سیاست‌گذاری هستند که می‌بایست از ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی، مالی، زیست‌محیطی و سیاسی بررسی شوند چرا که فعالیت‌های اکتشاف و توسعه و انعقاد قراردادهای نفتی در برگیرنده مسائل و چالش‌های دقیق حقوقی، فنی، مالی و سیاسی است و ارائه هرگونه راه‌حلی مستلزم ایجاد تعادلی میان منافع کشورهای تولیدکننده و شرکت‌های نفتی است. غالباً این سؤال پرسیده می‌شود که یک کشور می‌بایست چه مدلی را برای بهره‌برداری از منابع نفتی خود برگزیند.

آیا از میان ده‌ها مدل مختلف در سراسر جهان، مدل برجسته و کاملی وجود دارد؟ پاسخ این است که هر کشوری می‌بایست مدل خاص خود را دنبال کرده و چارچوب مستحکم و منحصر به فردی را با توجه به شرایط و نیازهای خود ایجاد نماید. این مسئله حاکی از پیچیدگی قراردادهای نفتی و اهمیت علوم انسانی به ویژه اقتصاد و حقوق در این تحلیل‌هاست. در واقع در چند دهه اخیر مراکز دانشگاهی جهان شاهد ظهور و رشد فراگیر رشته‌های جدید و با اهمیتی در حوزه علوم انسانی ناظر بر موضوع انرژی و به طور خاص نفت و گاز در ابعاد حقوقی و اقتصادی بوده‌اند.

در این کتاب مؤلف تلاش کرده با رویکردی میان‌رشته‌ای به بررسی ابعاد حقوقی، اقتصادی و مالی قراردادهای نفتی بپردازد. وی در ابتدا با تحلیل حقوقی تفصیلی نشان داده بهره‌گیری از قراردادهای مشارکت در تولید بر اساس قوانین متأخر نفتی ایران معجز است. از سوی دیگر با توجه به این که رژیم مالی حاکم بر قراردادها از مهم‌ترین وجوه تفاوت قراردادها با یکدیگر است، ضمن احصای ملاحظات اقتصادی کارآمدی رژیم

مالی، به بررسی و مقایسه قرارداد بیع متقابل با قرارداد مشارکت در تولید از منظر آن‌ها پرداخته و در ادامه نیز میزان سهم‌بری طرفین قرارداد را در قرارداد بیع متقابل میادین نفتی منتخب محاسبه و با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی، با حالت قراردادهای مشارکت در تولید مقایسه و این نتیجه حاصل شده که انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید در میادین نفتی منتخب نسبت به بیع متقابل برای کشور می‌توانست مطلوب‌تر باشد. در پایان خاطر نشان می‌سازد که کتاب حاضر حاصل رساله دکتری در رشته مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به راهنمایی اینجانب بوده که برای رعایت مقتضیات انتشار به عنوان یک کتاب، تعدیلاتی در متن و چینش مطالب آن اعمال شده است. امید است که این کتاب بتواند دستاوردهای مفیدی را در اختیار جامعه علمی و سیاست‌گذاران حوزه بالادستی صنعت نفت قرار دهد.

دکتر داوود منظور

دانشیار دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

## مقدمه

سهام مالی یا «سهام‌بری»<sup>۱</sup> از یک طرح بالادستی صنعت نفت یکی از عوامل کلیدی تعیین سودآوری طرح هم از نگاه سرمایه‌گذاران و هم از نگاه دولت میزبان است.<sup>۲</sup> این سهام‌بری نه تنها با مالیات بلکه با مکانیزم‌های دیگری<sup>۳</sup> که در مجموع رژیم مالی (یا نظام مالی)<sup>۴</sup> یک کشور را شکل می‌دهند، تعیین می‌گردد. نظام یا رژیم مالی حاکم بر قراردادها از مهم‌ترین وجوه تفاوت قراردادها با یکدیگر است. برخی معتقدند که بیش از ۸۰ درصد مفاد قراردادهای بالادستی یکسان بوده و آنچه آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، نظام مالی این قراردادهاست (Omorogbe, 1997: 70).

در کسب‌وکاری که هدف غایی آن صرف تولید نفت نبوده بلکه پول درآوردن از این کار است، رژیم مالی بسیار اهمیت دارد:

- حتی با فرض بالا بودن قیمت‌ها، رژیم مالی در صورتی که جریان نقدی بسیار زیادی به دولت میزبان سرازیر نماید، می‌تواند میدان‌های نفتی یا گازی با نقاط قوت فنی بالا (حجم بالای نفت و هزینه پایین استخراج) و در نتیجه دارای پتانسیل برای ایجاد جریان نقدی قابل توجه را به یک معامله بسیار بد

1. Take

۲. برای مثال نگاه کنید به: Tordo, 2007

۳. این موارد شامل بهره مالکانه (Royalties)، پاداش (Bonuses)، اجاره (Rentals)، استهلاک هزینه‌ها، تخفیف‌ها و مشوق‌های مالیاتی، حصارکشی (Ring-fencing)، تلفیق زبان‌های مالیاتی، مکانیزم‌های بازیافت هزینه (Cost Recovery) و تسهیم سود (Profit Sharing). هزینه‌های ترک محل (Abandonment Costs) هستند.

4. Fiscal Regime or Fscal System

برای تولیدکننده تبدیل نماید.

- در صورتی که دولت میزبان بتواند میان حداکثرسازی درآمد خود و جذب سرمایه‌گذاران توازن ایجاد نماید، درک چگونگی رفتار رژیم‌های مالی در شرایط مختلف کلان اقتصادی و شرایط خاص هر طرح بسیار ضروری است. رژیم‌های مالی غالباً پیچیده هستند. این پیچیدگی نه تنها به دلیل تعداد و ماهیت مکانیزم‌های مورد استفاده در این رژیم‌هاست، بلکه از سطح بالای نااطمینانی احاطه‌کننده صنایع نفت و گاز همانند تلاطم قیمت‌ها، دامنه گسترده حجم ذخایر محتمل، نرخ تولید و هزینه‌ها که همگی ویژگی‌های طرح‌های اکتشاف، توسعه و تولید نفت را شکل می‌دهند، نشأت می‌گیرد.

درحالی‌که ویژگی‌های هر یک از میادین نفت و گاز (یعنی موقعیت، عمق، کیفیت مخزن و نفت و ذخایر موجود در آن) از کنترل دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارج است، اما آن‌ها می‌توانند از قدرت مذاکره استفاده کرده و درخصوص شرایط مالی قراردادها مذاکره نمایند. دولت‌ها نیز می‌توانند این شرایط را از طریق قوانین و مقررات جرح و تعدیل نمایند.

تاریخ نشان می‌دهد طرفین قرارداد (دولت‌ها و سرمایه‌گذاران) زمان و تلاش قابل توجهی را صرف مذاکره در خصوص مسائل مالی کرده و تلاش می‌کنند روی هم‌رفته رژیم مالی را بهینه نمایند. لذا نتایج حاصل از این مذاکرات تأثیری عمده بر انجام، تأخیر، ترک یا عدم سرمایه‌گذاری دارد.

بنابراین توانایی مدل کردن ابزارهای مالی و درک تأثیر آن‌ها روی ارزش (قرارداد و طرح) برای طرفین بسیار اهمیت دارد.

البته ارائه یک «دایره‌المعارف» کامل، بروز و کشور به کشور از رژیم‌های مالی ممکن نیست چرا که این کار بسیار گسترده بوده و به سرعت کهنه می‌شود<sup>۱</sup>:

---

۱. اطلاعات جامعی از این قبیل هم‌اکنون در دسترس هستند. برای مثال می‌توان به وب‌سایت دولت‌هایی که چنین مسائلی را در اختیار عموم قرار می‌دهند، مراجعه نمود. برخی از مشاوران تخصصی این اطلاعات را می‌فروشند و خلاصه‌ها را رایگان ارائه می‌دهند؛ از میان این منابع می‌توان به راهنمای گزارش سالانه جهانی مالیات نفت و گاز شرکت ارنست اند یانگ (Ernst & Young Global Oil & Gas Tax Guide) که در وب‌سایت [www.ey.com](http://www.ey.com) قابل مشاهده است، اشاره کرد.

- از حدود ۱۰۰ کشوری که به اکتشاف و یا تولید نفت مشغول هستند، رژیم مالی خاص خود را داشته و گاهی بیش از یک رژیم دارند. هریک از دولت‌ها بسته به مکان طرح و زمان انعقاد قرارداد دارای رژیم‌های مالی مختلف هستند.
- رژیم‌های مالی در طول زمان و با توجه به شرایط ذیل تکامل می‌یابند:
  - تغییر شرایط اقتصادی؛
  - انجام اکتشافات قابل توجه (مانند اکتشاف مخازن هیدروکربوری قبل از نمک<sup>۱</sup> برزیل)؛
  - فناوری‌های جدید که میادین نفتی جدیدی را با چالش‌های جدید، پیش‌رو قرار می‌دهند که نیازمند مشوق‌های مالی جدید است (مثل نفت‌وگاز غیر متعارف و آب‌های عمیق)؛
  - بلوغ میادین و ارائه بازدهی کمتر و در نتیجه وجود میادین حاشیه‌ای بیشتر (مثل دریای شمال)؛ و
  - تغییر دولت‌ها یا تغییر تفکر حاکم بر دولت‌ها به دلیل توسعه سیاسی، انقلاب‌ها، فشارهای پوپولیستی و غیره.

علی‌رغم این پویایی (که ممکن است برخی آن را «نوسان» بنامند)، دولت‌ها غالباً تلاش می‌کنند نظام‌های مالی را به‌گونه‌ای طراحی کنند که پایدار باشند. نظام‌های مالی برای این‌که پایدار باشند، می‌بایست با توجه به دامنه گسترده سناریوهای اقتصاد سیاسی و مسائل فنی، منعطف باشند به‌گونه‌ای که «سهم‌بری» مالی حاصل، مطابق با سودآوری طرح (یا عدم سودآوری) تغییر نماید.

با این وجود، این انعطاف‌پذیری غالباً به پیچیدگی منتهی می‌شود. مثلاً یک تک نرخ ساده بهره مالکانه، مالیات، یا سهم از تولید معمولاً برای واکنش نشان دادن به شرایط متغیر کافی نیست. لذا این ابزارهای مالی غالباً به صورت فرمولی بیان می‌شوند. فرمول‌های مالی مختلف و متعددی در سطح جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند لکن این فرمول‌ها حالت‌های مختلفی از تعداد نسبتاً اندکی از فرمول‌های کلی و عام هستند. در واقع کمتر از ۲۰ ابزار مالی کلی وجود دارد که مورد استفاده همگان است

---

۱. Pre-salt: یک سازند زمین‌شناسی در فلات قاره با حجم قابل توجهی از نفت خام سبک.

که در فصل چهارم به تفصیل درباره آن‌ها سخن خواهیم گفت. کشورهای مختلف این فرمول‌ها را تغییر می‌دهند و یا ترکیبی از آن‌ها را استفاده می‌کنند. لذا تعداد زیاد و متنوع سیستم‌های مالی مورد استفاده همانند جملات بسیار زیادی است که در واقع در آن‌ها از فهرست نسبتاً کوچک و قابل یادگیری واژگان استفاده شده است.

روش‌های جریان نقدی تنزیل شده، معیار اصلی در محاسبه ارزش زمانی پول هستند. توجه به ارزش زمانی پول در طرح‌های نفت و گاز (با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، سرمایه اولیه هنگفت و جریان درآمدی که ممکن است تحقق آن ده‌ها سال به طول انجامد) بسیار حیاتی است. لذا هنگام ارزش‌گذاری دارایی‌های نفت و گاز و ارزیابی عملکرد نظام‌های مالی نفتی، این محاسبات جریان نقدی تنزیل شده<sup>۱</sup> پس از مالیات است که معمولاً بیشترین اهمیت را برای شرکت‌های نفتی، سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مشاوران بیرونی و دولت‌ها دارد.

نااطمینانی و ریسک ویژگی‌های اصلی طرح‌های نفت و گاز هستند که می‌بایست هنگام ارزش‌گذاری طرح‌ها و ارزیابی رژیم‌های مالی مورد توجه قرار گیرند.<sup>۲</sup>

کتاب حاضر که مستخرج از رساله دکتری<sup>۳</sup> در رشته قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز در دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) می‌باشد، با رویکرد میان‌رشته‌ای از دو بخش اصلی حقوقی - فقهی و اقتصادی - مالی تشکیل شده است.

در بخش حقوقی نشان خواهیم داد ساختار قراردادهای مشارکت در تولید با الزامات حاکمیت و مالکیت ملی بر مخازن نفتی تطابق دارد.

در بخش فقهی ابتدا نشان خواهیم داد با کاوش در فقه امامیه خطوط قرمز حاکم

#### 1. Discounted Cash Flow

۲. آن‌هایی که موفق به حضور در مذاکرات و شکل‌دهی رژیم‌های مالی نفتی و مدل‌سازی اثرات آن‌ها روی ارزش سرمایه‌گذاری شده‌اند، می‌دانند که این کار به لحاظ فکری چالشی و با ارزش بوده و افراد با مهارت و دارای قدرت متقاعد کردن دیگران و صاحب دیدگاه‌های متنوع در مورد ارزش واقعی پروژه در آن حضور دارند. آنچه که باعث ارتقای چشمگیر این کار می‌شود عبارت است از توانایی فردی ساخت مدل‌هایی که بتوانند به سرعت تغییرات ظریف در ابزارهای مالی را به شکل جامع، دقیق و قابل ارائه و آزمون، ارزیابی نمایند.

۳. رساله «طراحی شکل جدید قراردادهای نفتی ایران در جهت ارتقای کارکردهای اقتصادی در چارچوب الزامات حقوقی و فقهی» به راهنمایی دکتر داوود منظور، دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۵.

بر انعقاد قراردادهای نفتی قابل ترسیم هستند به گونه‌ای که عدول از آن‌ها امکان‌پذیر نباشد. لذا با مراجعه به منابع معتبر فقهی و نظرات فقهاء عظام الزامات فقهی مورد نظر شناسایی می‌شوند. در واقع اصول مستخرج حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نفتی، اصول و شرایطی است که به صورت چارچوب و الزامات کلان بر این قراردادها حاکم بوده و خطوط قرمز و جهت‌گیری‌های اصلی سیاست‌گذاری را مشخص می‌کنند. در ادامه ماهیت فقهی دو نوع اصلی قراردادهای بالادستی نفت یعنی قراردادهای خدماتی و مشارکت در تولید شناسایی خواهد شد.

در بخش اقتصادی - مالی ابتدا به بررسی تفصیلی انواع ترتیبات مالی قراردادهای نفتی و حالت‌های مختلف هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت. سپس چالش‌ها و الزامات طراحی رژیم مالی بهینه در صنعت نفت را احصا خواهیم نمود و از این رهگذر ساختار مالی قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید و نیز قرارداد نفتی جدید موسوم به IPC<sup>۱</sup> را از منظر ملاحظات اقتصادی طراحی رژیم مالی بهینه مقایسه خواهیم کرد.

در ادامه و با عنایت به این‌که ویژگی‌های شاخص میزان سهم‌بری دولت و پیمانکار به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کارآمدی رژیم مالی برشمرده خواهند شد، به تحلیل اقتصادی نظام مالی قراردادهای بیع متقابل خواهیم پرداخت و با توجه به اطلاعات در دسترس، ارزش اسمی و واقعی (زمانی) سهم‌بری پیمانکار در قرارداد بیع متقابل در میدین نفتی آزادگان، سروش و نوروز، فروزان و اسفندیار را محاسبه و با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی، با حالت قراردادهای مشارکت در تولید و نیز IPC مقایسه کرده و نشان خواهیم داد انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید و نیز IPC در میدین موصوف نسبت به بیع متقابل برای کشور میزبان (ایران) می‌توانست مطلوب‌تر و کم‌هزینه‌تر باشد. همان‌طور که اشاره شد، کتاب حاضر با اضافات و تعدیلاتی حاصل رساله دکترای نگارنده بوده لذا به رسم قدرشناسی و ادب از استاد راهنما جناب آقای دکتر داوود منظور و نیز از اساتید مشاور آقایان دکتر مسعود امانی و دکتر اصغر آقا مهدوی کمال تشکر و سپاس را دارد. همچنین از معاونت محترم پژوهش و فناوری دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) که در زمینه چاپ این اثر زحمات فراوانی کشیدند، صمیمانه قدردانی می‌گردد.





## فصل اول: قابلیت حقوقی بکارگیری قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران

### مقدمه

ساختار فصل حاضر بدین گونه است که ابتدا مروری بر مفاهیم مربوط به قراردادهای مشارکت در تولید صورت گرفته و پس از آن ساختار قراردادهای بالادستی در قوانین نفت کشور بررسی می شود. در ادامه ضمن بررسی قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، به بررسی و واکاوی مفهوم واژه مشارکت مندرج در این قانون خواهیم پرداخت.

### ۱. چستی قراردادهای مشارکت در تولید

موافقت نامه ها یا قراردادهای مشارکت در تولید (PSA/PSC)<sup>۱</sup> از متداول ترین انواع قراردادها برای توسعه و اکتشاف نفت است. بر اساس قراردادهای مشارکت در تولید دولت به عنوان مالک منابع معدنی، از یک شرکت نفتی خارجی به عنوان پیمانکار برای ارائه خدمات فنی و مالی جهت عملیات اکتشاف و توسعه استفاده می کند. به طور سنتی، خود دولت یا یکی از شرکت های وابسته به آن نظیر شرکت ملی نفت (NOC)<sup>۲</sup>

1. Production Sharing Agreements (Contracts)

2. National Oil Company

طرف قرارداد واقع می‌شود. شرکت نفت خارجی یا بین‌المللی (IOC/FOC) <sup>۱</sup> سهم تعیین‌شده‌ای از نفت تولیدی را به عنوان پاداش ریسک و خدمات ارائه شده، به دست می‌آورد. با این وجود، دولت همچنان مالک کل ذخایر نفتی و بخشی از محصول تولیدی باقی می‌ماند (1: Bindemann, 1999). برداشت پیمانکار از نفت تولیدی شامل دو بخش می‌شود؛ اول، نفت هزینه که درصدی از تولید است برای جبران هزینه‌های تولید و اکتشاف به پیمانکار در صورت کشف تجاری (83: Gao, 1994). دوم نفتی است که پس از کسر بهره مالکانه، نفت هزینه و مالیات بر درآمد باقی مانده و مطابق قرارداد بین پیمانکار و شرکت دولتی تقسیم می‌شود (1015: Atwell, 1980).

## ۲. ساختار قراردادهای بالادستی در قوانین نفت کشور

سیر تاریخی قوانین و قراردادهای نفتی کشورمان نشان‌دهنده این موضوع است که به مرور زمان عنصر حاکمیت و مالکیت بر منافع نفتی نقش بارزی در تدوین مواد قانونی و همچنین قراردادهای نفتی منعقد شده داشته است. اگرچه قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های متعددی در ارتباط نفت و گاز کشور وجود داشته و دارند، اما چهار قانون نفت ۱۳۳۶، قانون نفت ۱۳۵۳، قانون نفت ۱۳۶۶ و قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ به عنوان قوانین چهارگانه اصلی و مادر در صنعت نفت به شمار می‌آیند. البته «قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» مصوب ۱۳۹۱ نیز در این زمینه قابل توجه است. در مجموع، ویژگی‌های قوانین چهارگانه نفتی ایران را می‌توان در جدول ذیل خلاصه نمود <sup>۲</sup>:

جدول ۱: قراردادهای بالادستی در قوانین نفت ایران

نوع قرارداد بالادستی	قانون
قراردادهای مشارکتی (ماده ۱)	قانون نفت ۱۳۳۶
اکتشاف و توسعه نفت بر مبنای پیمانکاری (بند ۲ ماده ۳)	قانون نفت ۱۳۵۳
پیش‌بینی آیین‌نامه برای قراردادهای مهم (ماده ۵) منع هرگونه سرمایه‌گذاری خارجی (ماده ۶)	قانون نفت ۱۳۶۶
عدم صراحت در احصای ساختار قراردادهای بالادستی (اشاره‌ای گذرا به بیع متقابل در ماده ۷)	قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰

1. International (Foreign) Oil Company

۲. متن کامل قوانین در پیوست ۳ کتاب آمده است. همچنین این قوانین در سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس، <http://rc.majlis.ir> قابل مشاهده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود قراردادهای مشارکتی تنها بر اساس قانون نفت ۱۳۳۶ مجاز بود و پس از آن قراردادهای خدماتی مورد حمایت قوانین نفت قرار گرفته است. اما در تیرماه سال ۱۳۹۰، دومین قانون نفت در دوره پس از انقلاب اسلامی، به تصویب مجلس رسید که در واقع اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ است. در این قانون سخنی از نوع قراردادی مجاز به میان نیامده است.

### ۳. ساختار قراردادهای بالادستی در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱

به نظر می‌رسد مؤثرترین گام برای تحول در سازوکار قراردادی اجرای طرح در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز، در قانون «وظایف و اختیارات وزارت نفت»<sup>۱</sup> برداشته شده است؛ به موجب ماده (۱) این قانون: «وزارت نفت به منظور تحقق سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز، سیاست‌گذاری، راهبری، برنامه‌ریزی و نظارت بر کلیه عملیات بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی تشکیل شده است و به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر منابع و ذخایر نفت و گاز، اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی می‌کند».

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این قانون، بند سوم بخش (ت) ماده (۳) است که به «الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده» اختصاص دارد.

اهمیت و جایگاه ممتاز قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در مقایسه با سایر قوانین مربوط به قراردادهای نفتی از جمله قانون نفت ۱۳۶۶، قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ و مواد ۱۲۵ و ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه از آن‌روست که با توجه به موضوع‌های مطرح در این قانون و ابتکارات و نوآوری‌های آن می‌توان از این قانون به عنوان قانون مرجع در تبیین قراردادهای نفتی یاد کرد. همان‌طور که اشاره شد قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۹۰، با لغو قانون ۱۳۵۳ عملاً موجب ایجاد خلأ

۱. متن کامل قانون در سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس؛ <http://rc.majlis.ir> قابل مشاهده است.

در خصوص قالب و چارچوب قراردادی نفتی شد؛ و به علاوه سایر قوانین از جمله قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به دلیل محدودیت زمانی اجرای آن‌ها نمی‌توانند به عنوان قانون مرجع به شمار آیند (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۶۹۳).

#### ۴. بررسی جواز قراردادهای مشارکت در تولید در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت

در بند سوم بخش (ت) ماده (۳) این قانون، الگوی قراردادی «مشارکت» به طور مطلق و عام مقرر شده و در ابتدا به نظر می‌رسد انواع این شیوه، نظیر مشارکت در تولید، مشارکت در سود و مشارکت در سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> را در بر می‌گیرد.

مع الوصف، عده‌ای از حقوق‌دانان جواز استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید براساس این بند قانونی را محل تردید دانسته‌اند. علت اصلی این مخالفت با قراردادهای مشارکت در تولید، شبهه انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن است که با بسیاری از قوانین از جمله همین قانون سال ۱۳۹۱، مغایرت دارد و از این‌رو واژه مشارکت در ماده قانونی مورد اشاره را صرفاً به مشارکت در سرمایه‌گذاری و مشارکت در سود منحصر کرده‌اند.

در واقع برخی معتقدند تحقق قرارداد مشارکتی بر اساس مقررات عمومی خود مستلزم حق مالکانه شرکت طرف قرارداد بر بخشی از تولیدات میدان می‌باشد. بدیهی است که چنین استحقاق مالکانه‌ای در صورت فسخ یک طرفه قرارداد از سوی دولت میزبان کماکان برقرار بوده و در صورت ادعای شرکت طرف قرارداد می‌تواند به نحو قهقرایی نسبت به محتوای خود مخزن تسری پیدا کند و این موضوع نه تنها با نص ماده مذکور (ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت) بلکه با قانون اساسی نظام نیز در تعارض می‌باشد (ابراهیمی و شیریحیان، ۱۳۹۳: ۳۲). در واقع به نظر می‌رسد منظور از مالکیت قهقرایی در اینجا این است که شرکت خارجی نسبت به نفت اعلام استحقاق می‌کند و این استحقاق را ناشی از کارهایی می‌داند که در گذشته انجام داده (در دوره اکتشاف و توسعه یا اصطلاحاً دوره حیات و احیاء که از اسباب مالکیت است) و الان در نقطه صادراتی (یا هر نقطه دیگری غیر از نقطه سرچاهی) مالک نفت شده است.

---

1. Joint Venture

پس شرکت خارجی عملاً حق مالکیت خود را به نقطه سرچاهی باز می‌گرداند. در پاسخ به این شبهه می‌توان چنین استدلال کرد که در قرارداد مشارکت در تولید، انتقال مالکیت در نقطه تحویل مبین تعلق ملکیت از زمان احیاء نیست زیرا اولاً مطلقاً معادن<sup>۱</sup> به عنوان انفال و ثروت‌های عمومی<sup>۲</sup> شناخته شده و اگر بنا به فرض نسبت به ایجاد حق مالکانه بر نفت مخزن برای شرکت خارجی شک ایجاد شود، استصحاب بقاء حالت سابقه و عدم تعلق ملکیت لحاظ می‌شود. ثانیاً پیمانکار در زمان احیاء به نمایندگی از طرف شرکت ملی نفت عمل کرده و از آنجاکه شرکت ملی نفت مالکیتی بر نفت مخزن ندارد (یعنی قصد احیاء مملک هیچ‌گاه وجود ندارد)، لذا عملیات احیاء نیز بدون قصد تملک بوده و در نتیجه مالکیتی هم برای پیمانکار به وجود نمی‌آورد. ثالثاً اصل حاکمیت دانی مردم و ملت‌ها بر منابع و ثروت‌های طبیعی<sup>۳</sup> نافی تعلق حق مالکانه به مخزن و نفت درون آن است.

شایان ذکر است امروزه اصل حاکمیت کشور بر منابع طبیعی خود به عنوان یکی از قواعد آمره توسط حقوق بین‌الملل شناخته شده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). نهایتاً این‌که باید توجه کرد که به لحاظ نظری، مشارکت در تولید نوعی قرارداد خدماتی است که سهم پرداختی به شرکت نفتی، نوعی پرداخت است که از جانب دولت به شرکت نفتی در نقطه صادرات محقق می‌شود (Blinn & others, 1986: 71).

۱. اگرچه ممکن است قرار گرفتن منابع و ذخایر نفتی در طبقه‌بندی معادن حسب اصول ۴۴ و ۴۵ محل بحث باشد، لکن بر اساس قانون اصلاح قانون معادن بند ۳ ماده ۳ مصوب سال ۱۳۹۰، مواد معدنی طبقه سه عبارتند از: کلیه هیدروکربن‌ها، به استثناء زغال‌سنگ مانند: نفت خام، گاز طبیعی، پلمبه سنگ‌های نفتی، ماسه‌های آغشته به نفت و امثال آن‌ها.

۲. در اصل ۴۵ قانون اساسی معادن جزو انفال و ثروت‌های عمومی برشمرده شده و در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفته است. البته در این اصل به طور خاص مشخص نشده که معادن جزو انفال است یا ثروت‌های عمومی. بنابراین اصل ۴۵ حکم یکسانی را برای انفال و ثروت‌های عمومی مقرر کرده و آن‌ها را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. شایان ذکر است که عبارت «در اختیار» ظهور در مالکیت ندارد؛ بلکه برعکس نشان دهد که معدن متعلق به کس دیگری است که در اختیار حکومت اسلامی گذاشته شده است. به نظر می‌رسد در این اصل بر حاکمیت دولت و نه مالکیت آن بر معادن صحنه گذاشته شده است. آنچه از جمع اصل ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی استنباط می‌شود، این است که مالکیت منابع نفت متعلق به کسی نیست بلکه این منابع به صورت مالکیت عمومی است که در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران است که نسبت به آن اقدامات مقتضی را انجام می‌دهد (شیروی، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۴).

3. Permanent Sovereignty over Natural Resources, General Assembly resolution 1803 (XVII), New York, 14 December 1962.

در قراردادهای مشارکت در تولید، اصولاً شرکت خارجی، مالکیتی در مخازن زیرزمینی از دیدگاه نفس قرارداد و قانون حاکم و قانون داخلی نخواهد داشت و تنها به شرکت خارجی اجازه می‌دهند با موفقیت‌آمیز بودن عملیات اکتشافی و استخراجی، در نهایت بخشی از سود حاصل از عملیات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را از محل نفت‌وگاز استخراجی از همان حوزه قراردادی برداشت نماید (ایرانپور، ۱۳۸۷: ۳۳). بنابراین شرکت نفتی هیچ‌گونه مالکیتی بر نفت تولیدی ندارد و لذا مالکیتی وجود ندارد که به صورت قهقرایی نسبت به نفت موجود در مخزن تسری پیدا کند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد منشأ تشکیک در جواز انعقاد قرارداد مشارکت در تولید این برداشت باشد که عقد شرکت در قانون مدنی ایجاد اشاعه در سود کرده و چنانچه مخزن را هم جزو سرمایه بدانیم، ایراد ایجاد حق عینی برای سرمایه‌گذار در مخزن به وجود می‌آید و این ایجاد حق عینی برای سرمایه‌گذار در مخزن مطابق قوانین ممنوع می‌باشد. لکن در ادبیات قانونی باتوجه به انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید قبل از انقلاب به موجب تصویب متن قراردادها در مجلس شورای ملی و صدق عنوان قانون بر آن، برداشت فوق اجتهاد در مقابل نص است زیرا به موجب قوانین مذکور، عناصر عقد مشارکت که ذیلاً به استخراج آن‌ها از بین متون قوانین می‌پردازیم، احصا شده و در هیچ مورد با عقد شرکت قانون مدنی قابل جمع نیست (منظور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

به علاوه، اگرچه قراردادهای مشارکتی مختلفی برای انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد وجود دارد (مشارکت در تولید، مشارکت در سود، مشارکت در سرمایه‌گذاری و...) وجود دارد، لکن به دلیل ویژگی‌های خاص بخش بالادست (وجود ریسک‌های فنی و اقتصادی بسیار بالا) عمدتاً قراردادهای مشارکت در تولید در بخش بالادست و برای اهداف اکتشافی/توسعه‌ای و تولیدی کاربرد داشته و سایر انواع قراردادهای مشارکتی در بخش میان دست و پایین دست صنعت نفت بکار گرفته شده است (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

بنابراین، چنین می‌توان نتیجه گرفت که ساختار قراردادهای مشارکت در تولید با

۱. شایان ذکر است رویه قضایی بین‌المللی در پرونده لیبی حتی در قراردادهای امتیازی حق مالکیت بر نفت مخزن را شناسایی نکرده است. مراجعه کنید به: (مجبی، ۱۳۸۵: ۹-۷۰).

الزامات حاکمیت و مالکیت ملی بر مخازن نفتی تطابق داشته و استفاده از این الگو در صنعت نفت ایران براساس قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ مجاز شناخته شده است.<sup>۱</sup>

قبل از انقلاب پیروزی اسلامی و برای اولین بار طی قانون تفحص و اکتشاف و استخراج نفت مصوب ۱۳۳۶<sup>۲</sup>، قراردادهای مشارکتی تجویز شد و بر این اساس قراردادهایی منعقد گردید. مطابق قانون نفت ۱۳۳۶، شرکت ملی نفت ایران مجاز شد به منظور توسعه عملیات تفحص، اکتشاف، استخراج، تصفیه، حمل و نقل و فروش نفت، اقدام به انعقاد قرارداد به صورت مشارکت و یا عاملیت با شرکت‌های خارجی کند.<sup>۳</sup> شرکت‌های نفتی خارجی متعهد شدند در صورت تصاحب بیش از ۵۰ درصد

---

۱. شایان ذکر است در سال ۱۳۹۲ کمیته بازنگری قراردادهای نفتی با حکم وزیر نفت تشکیل و متعاقب آن سمیناری تحت عنوان «هم‌اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت» در اسفند ماه همان سال در تهران برگزار شد. در این سمینار، از ساختار کلی و نکات کلیدی شروط قرارداد نفتی جدیدی که به وسیله تحت عنوان «قرارداد نفتی ایران» Iran Petroleum Contract یا IPC تدوین و پس از قراردادهای امتیاز، مشارکت در تولید و خدمت، از آن به عنوان قرارداد «نوع چهارم» یاد شده است، رونمایی شد؛ گفته شده که قرارداد نفتی مزبور در پاسخ به نارسایی‌ها و خلأهای موجود در نسل‌های مختلف قرارداد بیع متقابل و غیر جذاب بودن این نوع قرارداد از نقطه نظر شرکت‌های خارجی، تهیه و تدوین شده است. در کلیات مدل ارائه شده برای قرارداد جدید نفت موسوم به قرارداد نفتی ایران (IPC) در همایش اسفند ۹۲ عنوان شده بود که هزینه‌های نفتی شامل هزینه‌های عملیات اکتشاف، توسعه و تولید از محل نفت هزینه‌ای مستهلک خواهد شد. در این مدل نفت هزینه‌ای به شرح ذیل تعریف شده است: «نفت هزینه‌ای بخشی از تولیدات تخصیص یافته به منظور دریافت هزینه‌های نفتی شامل کلیه هزینه‌های تعهد و پرداخت شده اکتشاف، توسعه، تولید، هزینه‌های پول به همراه حق الزحمه‌های توسعه و بهره‌برداری به وسیله متصدی اکتشاف، توسعه و تولید میدان برحسب مورد است». بنا بر تعریف مذکور و نظر به این که این تعریف در بزرگ‌ترین سازوکار بازیافت هزینه‌ها و حق الزحمه در قراردادهای مشارکت در تولید است، به نظر می‌رسد قرارداد جدید نفتی ایران نوع مخصوصی از قرارداد مشارکت در تولید است. به عبارت دیگر مطابق تعریف مزبور، هزینه‌های نفتی و حق الزحمه پیمانکار با تخصیص بخشی از تولیدات میدان به او تحت عنوان نفت هزینه‌ای مستهلک و پرداخت خواهند شد، امری که یکی از پایه‌های اصلی قراردادهای مشارکت در تولید محسوب می‌شود (حاتمی و کریمی‌ان، ۱۳۹۳: ۷۰۱).

۲. متن کامل قانون در سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس، <http://rc.majlis.ir> قابل مشاهده است.

۳. بند «ج» ماده (۹) این قانون، چنین مقرر کرده است: «از تاریخ تصویب این قانون، شرکت ملی نفت ایران مکلف است پس از تقسیم اراضی کشور و فلات قاره به بخش‌ها، به شرح مندرج در ماده (۵) به منظور تأسیس سازمان‌های مشترک یا دستگاه‌های مختلط یا واگذاری عاملیت در یک یا چند بخش از اشخاص واجد صلاحیت به وسیله آگهی دعوت کند...». ماده (۱۰) این قانون نیز بیان داشته است: «شرکت ملی نفت ایران می‌تواند برای انجام عملیات تصفیه و حمل و نقل و فروش نفت در خارج از کشور، قراردادی منعقد کند که به موجب آن یک ادامه در صفحه بعد

سهم‌الشرکه در قراردادهای مشارکت و یا در تمامی قراردادهای غیرمشارکتی از جمله در قراردادهای پیمانکاری و یا خدمت تحت شرایط خاص خود، مبلغی یکجا به عنوان پذیره<sup>۱</sup> در وجه شرکت ملی نفت ایران پرداخت کنند؛ این مبلغ حسب اوضاع و احوال هر قرارداد، متغیر بود و هنگام تنظیم قراردادهای مشارکتی تعیین می‌شد.<sup>۲</sup> به علاوه، شرکت‌های خارجی مکلف بودند صرف‌نظر از میزان سهم‌الشرکه خود و نوع قرارداد (مشارکت یا پیمانکاری)، سالیانه مبلغی به عنوان حق‌الارض بر اساس وسعت ناحیه عملیاتی و خصوصیات منطقه، به صورت یکجا یا اقساط سالیانه در وجه شرکت ملی نفت پرداخت کنند.<sup>۳</sup> منتهی شرکت نفتی خارجی متعهد شد در صورت توافق در قرارداد، بهره مالکانه‌ای به میزان ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) تولیدات نفتی را تحت عنوان پرداخت مشخص (رویالٹی<sup>۴</sup>) به صورت جنسی به شرکت ملی نفت تحویل دهد؛ سپس شرکت خارجی، نفت تحویلی را بر اساس مبلغ اعلان شده از بدهی مالیاتی خود کسر و استهلاک می‌کرد.<sup>۵</sup> سرانجام این‌که شرکت نفتی خارجی مکلف بود مالیات بر درآمد خالص خود را بر اساس قوانین و مقررات مالیاتی پرداخت کند.<sup>۶</sup> باز یافت هزینه‌های شرکت نفتی خارجی از طریق تخصیص تولیدات نفتی صورت می‌گرفت.<sup>۷</sup> لذا در اجرای قانون نفت در سال ۱۳۳۶، دوازده قرارداد با شرکت‌های خارجی منعقد شد که از میان آن‌ها قرارداد با شرکت ایتالیایی آجیب مینراریا<sup>۸</sup> اولین و مهم‌ترین

---

سازمان مشترک یا دستگاه مختلط یا هر شخص بدون تشکیل سازمان یا دستگاه مزبور انجام عملیات مزبور را بر طبق شرایطی که در هر مورد به تشخیص شرکت ملی نفت ایران تعیین خواهد شد، به عهده گیرد». مطابق تعاریف ماده (۱) این قانون، «سازمان مشترک» و یا «دستگاه مختلط»، به ترتیب عبارتند از: مؤسسه مشترک فی مابین شرکت ملی نفت ایران و شخص دیگر و دستگاه عاملیتی که از طرف شرکت ملی نفت ایران و شخص دیگر ایجاد شده باشند.

۱. پذیره به نوعی سرفصلی است که در مورد حوزه‌های نفتی مرغوب به هنگام عقد قرارداد و یا در مراحل بعدی و زمان بهره‌برداری به دولت میزبان پرداخت می‌شود (موجد، ۱۳۵۷: ۲۶۰).

۲. ماده (۸) قانون و تبصره (۶) ماده (۱) قانون.

۳. بند «الف» ماده (۹) قانون.

#### 4. Royalty

۵. بند «ط» ماده (۸) قانون.

۶. بندهای «ه» و «ز» ماده (۱۱) قانون.

۷. قسمت اخیر بند «ط» ماده (۱۱) قانون.

#### 8. Agip Mineraria



قرارداد مشارکتی در تاریخ صنعت نفت ایران به حساب می‌آید (امور حقوقی شرکت ملی نفت، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۳۳۶). این قرارداد در واقع «موافقت‌نامه قرارداد تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا»، در ۴۷ ماده مصوب ۱۳۳۶/۶/۲ بود. به موجب این قرارداد، شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیپ، یک شرکت سهامی بنام شرکت نفت ایران و ایتالیا (سیرپ<sup>۱</sup>) تحت قوانین ایران تشکیل دادند تا «... به نفع طرفین، عملیات مربوط به اکتشاف و تولید نفت خام و سایر مواد هیدروکربور طبیعی و همچنین فروش مواد مستخرجه و کلیه عملیاتی را که برای فروش این مواد لازم و مفید باشد انجام خواهد داد». (ماده ۱). به موجب ماده ۴، پنجاه درصد از سرمایه اولیه شرکت سیرپ را شرکت ملی نفت ایران... و پنجاه درصد دیگر را شرکت آجیپ... تأدیه خواهند نمود. ... بدین ترتیب نصف عده اعضای هیئت مدیره و ... هیئت بازرسی حساب‌ها... از طرف شرکت ملی نفت ایران و نصف دیگر از طرف شرکت آجیپ انتخاب خواهند شد. ... مدیرعامل که در عین حال سمت مدیریت کل را نیز خواهد داشت از طرف شرکت آجیپ معین می‌شود... اداره امور فنی شرکت (اکتشاف و توسعه و بهره‌برداری و حمل‌ونقل و بارگیری نفت) به دست کارمندانی سپرده خواهد شد که به معرفی آجیپ و به انتخاب مدیرعامل تعیین خواهند شد... مدت قرارداد به موجب ماده ۳۵، بیست و پنج سال از تاریخ شروع به فروش نفت، معتبر خواهد بود... و به موجب ماده ۱۷، «از سود ویژه... نصف به عنوان مالیات و حقوق دولتی به دولت ایران پرداخت خواهد گردید و نصف دیگر باله‌منافه بین شرکت ملی نفت ایران و آجیپ مینراریا تقسیم خواهد شد» (امور حقوقی شرکت ملی نفت، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۳۳۶).

۳۰ □ بهینه‌سازی قراردادهای نفتی ایران

جدول ۲: قراردادهای مشارکتی پس از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶

ردیف	عنوان قرارداد نفتی	تاریخ تصویب
۱	موافقت‌نامه قرارداد تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینارینا <sup>۱</sup>	۱۳۳۶/۶/۲
۲	موافقت‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان آمریکن پترولیوم کورپوریشن <sup>۲</sup>	۱۳۳۶/۱۲/۲۹
۳	موافقت‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ساغایر پترولیومز لیمیتد	۱۳۳۷/۴/۲۵
۴	قرارداد شرکت نفت فلات قاره دشتستان «دوپکو» <sup>۳</sup>	۱۳۴۳/۱۱/۲۴
۵	قرارداد شرکت نفت فلات قاره ایران «ایروپکو» <sup>۴</sup>	۱۳۴۳/۱۱/۲۴
۶	قرارداد شرکت نفت بین المللی دریایی ایران «ایمینوکو» <sup>۵</sup>	۱۳۴۳/۱۱/۲۴
۷	قرارداد شرکت نفت لاوان «لاپکو» <sup>۶</sup>	۱۳۴۳/۱۱/۲۴
۸	قرارداد شرکت نفت فارسی «اف.پی.سی» <sup>۷</sup>	۱۳۴۳/۱۱/۲۴
۹	قرارداد شرکت نفت خلیج فارس «پگوپکو» <sup>۸</sup>	۱۳۴۴/۴/۲۱
۱۰	قرارداد بوشکو: قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی آمرادا هس کورپوریشن <sup>۹</sup> (شرکت نفت بوشهر)	۱۳۵۰/۵/۵
۱۱	قرارداد هوپکو: قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی موبیل اویل کورپوریشن <sup>۹</sup> (شرکت نفت هرمز)	۱۳۵۰/۵/۵
۱۲	قرارداد اینپکو: قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و گروه‌های شرکت‌های ژاپنی تی جین لیمیتد <sup>۹</sup> (شرکت نفت ایران و ژاپن)	۱۳۵۰/۵/۵

برای مثال، برخی از مهم‌ترین مواد قانون مربوط به موافقت‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان‌آمریکن پترولیوم کورپوریشن ۱۳۳۷ عبارتند از:

ماده ۱۲

۱. طرف دوم که از طریق شرکت ایران کانادا عمل خواهد کرد در مورد عملیات

1. Pan American Corporation
2. DOPCO: Dashtestan Offshore Petroleum Company
3. IROPCO: Iranian Offshore Petroleum Company
4. IMINOCO: Iranian Marine International Oil Company
5. LAPCO: Lavan Petroleum Company
6. F.P.C: Farsi Petroleum Company
7. Amcrada Hess Corporation
8. Mobil Oil Corporation
9. Tijin Limited

قابلیت حقوقی بکارگیری قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران □ ۳۱

اکتشافی (که شامل حفاری اکتشافی نیز خواهد بود) تعهدات زیر را بر عهده خواهد داشت:

الف) سعی کامل در این که عملیات اکتشافی حوزه قرارداد طبق اصول فنی معمول به صنعت نفت به حد اعلائی خود جریان یابد.

ب) تنظیم طرح عملیات خود با مشورت طرف اول و اجرای جدی طرح مزبور به هزینه خود. هرگونه مخارج مربوط به استفاده از اراضی جزء هزینه‌های مذکور محسوب خواهد شد.

ج) تسلیم گزارش‌های تفصیلی پیشرفت کار به طرف اول و نیز تسلیم گزارش جامع نهایی.

د) فراهم کردن وسایل برای نمایندگان طرف اول که در هر موقع مناسبی عملیات او را که بر طبق این قرارداد انجام می‌دهد بازرسی نمایند.

ه) تحمل کلیه هزینه‌های اکتشافی یعنی سهم طرف اول و سهم خود در صورتی که عملیات اکتشافی منجر به احراز وجود ذخائر نفتی به میزان بهره‌برداری تجارتي نشود.

و) رعایت مقررات بندهای ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۳.

### ماده ۱۳

طرفین این قرارداد که از طریق شرکت ایران کانادا به خرج و هزینه مشترک خود عمل خواهند نمود ملزم به انجام تعهدات زیر خواهند بود:

۱. به کار بردن حداکثر کوشش برای توسعه هر یک از مناطق کشف شده به حد اعلا طبق روش فنی صحیح صنعت نفت - استخراج نفت کشف شده به میزانی که آن قسمت از ذخایر مکشوفه که استخراج آن با استفاده جدیدترین اصول و طرق معمول صنعت نفت از نقطه نظر اقتصادی موجه باشد در طی مدت قرارداد تماماً مورد استخراج قرار بگیرد. و مخصوصاً رعایت اصول صحیح فنی و مهندسی در حفاظت ذخایر هیدروکربور و اجرای عملیات مقرر در این قرارداد به طور عموم.

۲. نگاهداری ارقام و اطلاعات کامل از جمیع عملیات فنی مقرر این قرارداد.

۳. نگاهداری حساب‌های عملیات خود به طریقی که ارقام و اطلاعات مربوط به هزینه‌های عملیات مزبور به طرز درست و واضح و دقیق نمایش داده شود. برای انجام

این منظور بایستی روش حسابداری مناسبی انتخاب گردیده و در روش مزبور بر طبق تحولاتی که بعداً ممکن است پیش آید تجدیدنظر به عمل آید.

۴. فراهم کردن وسایل برای نمایندگان یکدیگر که در هر موقع مناسبی عملیات مورد این قرارداد و وسایل اندازه‌گیری و سنجش و آزمایش را بازرسی نمایند.

۵. استخدام حداقل کارمندان خارجی و اطمینان از این‌که تا حدودی که معقولاً عملی باشد بیگانگان فقط برای تصدی مقاماتی استخدام شوند که شرکت ایران کانادا و طرف دوم (هر جا که مربوط به او باشد) نتوانند ایرانیانی حائز معلومات و تجربه کافی برای احراز آن مقامات بیابند.

۶. تهیه طرح و برنامه‌ها برای کارآموزی و تعلیم صنعتی و فنی و همکاری در اجرای آن‌ها با توجه به این هدف که در نتیجه اجرای برنامه‌های مذکور تقلیل تدریجی و مرتب کارمندان خارجی به نحوی میسر گردد که در خاتمه ده سال از تاریخ اجرا عده کارمندان خارجی شرکت ایران کانادا از دو درصد کل کارمندی که در استخدام آن شرکت می‌باشند تجاوز ننماید و مقامات عالی اجرایی که توسط کارمندان غیرایرانی اشغال شده از ۴۹ درصد کل مقامات اجرایی موجود بیشتر نباشد.

۷. توجه دائم به حقوق و منافع ایران در جریان عملیات خود.

۸. فراهم آوردن وسایل برای این‌که هر کدام از طرفین که بخواهند بتوانند ظرف مدت معقولی هرگونه اطلاعی را که لازم بدانند از قبیل رونوشت‌های دقیق نقشه‌ها و مقاطع و گزارش‌های مربوط به نقشه‌برداری و زمین‌شناسی و ژئوفیزیک و حفاری و تولید و سایر امور مربوطه به عملیات مقرر در این قرارداد که جنبه قطعیت یافته باشد و همچنین جمیع اطلاعات علمی و فنی مهم که در نتیجه عملیات آن‌ها به دست آمده باشد از طریق نمایندگی شرکت ایران کانادا دریافت نمایند.

#### ماده ۱۵

۱. برای تعیین این‌که مرحله اکتشاف در چه موقع پایان می‌یابد ضابطه (Field Discovery Wildcat) طبق تعریف فردریکه - لاهی ملاک عمل قرار خواهد گرفت. آزمایش‌هایی که خاکی از پایان مرحله مزبور باشد بایستی در حضور نمایندگان طرفین انجام گیرد.

۲. به محض این‌که طرف دوم به این نتیجه رسید که عملیات اکتشافی وی به

مرحله کشف منبع نفتی قابل تولید به میزان تجارتی رسیده است گزارش تفصیلی این مطلب را به طرف اول تسلیم خواهد نمود.

۳. گزارشی که طرف دوم به موجب بند ۲ فوق به طرف اول تسلیم می نماید باید مراتب زیر را به وضوح نشان دهد:

الف) عمق - فشار و سایر مشخصات منبع و اندازه و استعداد تولیدی و استعداد تولید روزانه هر چاه و مشخصات نفت کشف شده.

ب) فاصله و میزان دسترس بودن منبع از کنار دریا و نقاط عمده پخش و مصرف - فراهم نمودن وسایل حمل و نقل تا بازارهای فروش - یا میزان مخارجی که برای ایجاد یا تکمیل وسایل مزبور مورد نیاز باشد.

ج) هر گونه اطلاعات مربوطه دیگر که مورد استناد طرف دوم قرار گرفته و استنباطات وی مبتنی بر آن بوده باشد.

د) نظریاتی که به وسیله کارشناس یا کارشناسانی که عملیات اکتشافی را بر عهده داشتند ابراز گردیده باشد.

#### ماده ۲۴

۱. پنجاه درصد از نفتی که در ناحیه عملیات تولید شود در سر چاه به ملکیت طرف اول و پنجاه درصد دیگر به ملکیت طرف دوم در خواهد آمد.

۲. صادرات نفت تولید شده از ناحیه عملیات از حقوق گمرکی و مالیات صادراتی معاف بوده و مشمول هیچ گونه مالیات یا عوارض یا پرداخت های دیگری به مقامات دولتی ایرانی اعم از مرکزی یا محلی نخواهد بود.

۳. طرف اول و طرف دوم و شرکت ایران کانادا به عنوان عامل دستگاه مختلط و مشتریان آنها می توانند نفت را از ایران آزادانه و بدون احتیاج به هیچ گونه پروانه و تشریفات خاص مگر تنظیم اسناد و انجام تشریفات مقرر در بند ۶ ماده ۳۳ این قرارداد صادر نمایند.

۴. در مورد آنچه راجع به صادرات در این ماده قید شده و آنچه راجع به واردات و صدور مجدد آن در ماده ۳۳ مقرر است صادرکننده و واردکننده نسبت به بیمه کشتی و ملوانان و محمولات و کرایه حمل و تشخیص میزان بیمه مزبور مختار خواهد بود.

۵. طرف دوم در مورد حمل و نقل نفت خام و محصولات نفتی برای کشتی های

نفتکش ایرانی حق تقدم قائل خواهد بود.

۶. طرف اول گزارش طرف دوم را فوراً و با کمال حسن نیت مورد بررسی قرار خواهد داد تا تشخیص دهد که آیا کشف منبع قابل بهره‌برداری به میزان تجارتي بدان معنی که در بند ۵ این ماده تعريف گردیده انجام گرفته یا نه.

۷. منبع نفتی کشف شده فقط وقتی قابل بهره‌برداری به میزان تجارتي تلقی می‌شود که مقدار نفتی که استخراج آن از منبع مزبور به طور معقول قابل پیش‌بینی است، طوری باشد که در صورت تحویل نفت در کنار دریا اگر مخارج بهره‌برداری را با هزینه‌های حمل و بارگیری و همچنین با رقمی معادل (۲)، (۱) ۱۲ درصد قیمت اعلان شده مربوطه برای نفتی از مشخصات مشابه جمع کنند و رقم حاصله را از قیمت اعلان شده مذکور موضوع نمایند سود ویژه‌ای باقی بماند که میزان آن از ۲۵ درصد قیمت اعلان شده مربوطه کمتر نباشد.

۸. هر گاه طرف اول معتقد باشد که استنباط طرف دوم دایر بر کشف منبع قابل بهره‌برداری به میزان تجارتي غیر موجه است نظریات و دلایل خود را به طرف دوم اطلاع خواهد داد. در این صورت طرف دوم می‌تواند عملیات حفاری بیشتری را انجام دهد و هر گاه در نتیجه این حفاری‌های اضافی وجود منبع قابل بهره‌برداری به میزان تجارتي ثابت شود کلیه مخارجی که بعد از خاتمه (F.D.W.C) به عمل آمده به عنوان مخارج توسعه و بهره‌برداری تلقی گردیده، دستگاه مختلط مخارج مزبور را توسط شرکت ایران کانادا به طرف دوم خواهد پرداخت.

۹. مقررات این ماده نسبت به منابعی که بعد از منبع اولی کشف شود نیز جاری خواهد بود.

۱۰. به محض این که وجود منبع قابل بهره‌برداری تجارتي به معنی مشروح در بند ۵ این ماده به ثبوت رسید، طرفین این قرارداد توأماً مسئولیت کلیه مخارجی را که بعد از خاتمه (F.D.W.C) برای توسعه و بهره‌برداری منبع مورد بحث لازم باشد بر عهده خواهند گرفت. کلیه مخارجی که تا تاریخ مزبور بابت اکتشاف در هر قسمتی از ناحیه عملیات انجام گرفته باشد بدون احتیاج به تشریفات دیگری از طرف دستگاه مختلط شرکت ایران کانادا به طرف دوم مسترد خواهد شد.

۱۱. بعد از کشف منبع اولی طرف دوم مخارج لازم برای اجرای عملیات اکتشافی

در مناطق دیگر را از طریق شرکت ایران کانادا به طور مساعده خواهد پرداخت و مخارج مزبور بعد از خاتمه چاه اکتشافی (F.D.W.C) جدیدی به طرف دوم مسترد خواهد شد و در صورتی که حفر چاه جدید قرین موفقیت نباشد مخارج مزبور بعد از انقضای دوره دوازده ساله اکتشاف قابل استرداد خواهد بود.

۱۲. در اجرای تعهدات مربوط به استرداد وجوهی که در این ماده مقرر است دستگاه مختلط از طریق شرکت ایران کانادا مبلغی معادل مخارج اکتشاف به بستانکار حساب طرف دوم منظور خواهد نمود و احتساب این دو وجوه بر اساس صورت مخارجی خواهد بود که طرف دوم ظرف دو ماه از خاتمه هر یک از دوره‌های سه ماهه به شرکت ایران کانادا ارسال خواهد نمود.

شرکت ایران کانادا حق خواهد داشت که صحت مخارج مزبور را مورد رسیدگی و تحقیق قرار داده و برای تأیید آن ارائه اسناد مثبت را بخواهد در صورتی که ظرف ۴۵ روز از تاریخ تسلیم صورت مخارج اعتراضی نسبت به آن نشود صورت مزبور قطعیت خواهد یافت.

۱۳. پرداخت وجوهی که مطابق این ماده به بستانکار حساب طرف دوم منظور شود توسط دستگاه مختلط در کوتاه‌ترین مدت ممکنه و در هر حال به اقساط سالانه که میزان آن نبایستی هیچ‌گاه از معادل ده سنت نسبت به هر بشکه نفت صادر شده کمتر باشد به عمل خواهد آمد.

۱۴. پنجاه درصد وجوهی که بابت استرداد مخارج اکتشاف به طرف دوم تأدیه می‌شود توسط طرف دوم به طرف اول پرداخت خواهد گردید.

#### ماده ۳۰

۱. طرف دوم با رعایت مقررات بند ۲ زیر طی دوازده سال اول از تاریخ اجرا حداقل مبلغ ۱۸ میلیون دلار آمریکایی برای عملیاتی که به موجب این قرارداد متعهد گردیده است مستقیماً و یا از طریق عاملیت شرکت ایران کانادا خرج خواهد کرد. حداقل مذکور در مدت دوازده سال طبق جدول زیر خرج خواهد شد:

مبلغ	دوره‌های سالیانه بعد از تاریخ اجرا
۸۰۰۰۰۰۰ دلار	دوره چهارساله اول
۱۲۵۰۰۰۰ دلار	دوره سالیانه پنجم و هریک از دوره‌های سالیانه بعدی تا خاتمه سال دوازدهم